

راهکارهای ترویج خلاقیت، تولید و کارآفرینی در مدارس

الهام قائد رحمت^۱

Alhamgh284@gmail.com

چکیده:

پژوهش حاضر با هدف «راهکارهای ترویج خلاقیت، تولید و کارآفرینی» انجام گرفته است. روش پژوهش حاضر از نوع کیفی بوده و روش پژوهش حاضر از نوع کیفی بوده و شیوه گردآوری داده‌ها مبتنی بر شیوه کتابخانه‌ای و اسنادی می‌باشد. بدین صورت که اسناد مرتبط با موضوع پژوهش گردآوری شده است و با رویکرد توصیفی و تحلیلی داده‌های مرتبط با پژوهش مورد بررسی قرار گرفته است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که مسئله خلاقیت، تولید و کارآفرینی و رواج آن و همچنین آموزش آن در نظام تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران از اهمیت بسیاری برخوردار است و در برنامه درسی ملی، سند تحول بنیادین و دیگر اسناد بالادستی نیز بدان اشاره شده است که نشان‌دهنده جایگاه بالای این موضوع می‌باشد. بر این اساس امر آموزش خلاقیت، تولید و کارآفرینی به محتوای کتب درسی، نحوه برنامه درسی و همچنین معلمان و مولفان مرتبط می‌باشد. معلمان و مولفان باید از آموزش‌های نوین برخوردار باشند همچنین در آموزش این سه مولفه اساسی باید به یادگیری کسب و کار، مهارت صحبت کردن، مهارت‌های تفکر، مهارت خلاقیت، مهارت‌های تحقق توجه داشت تا امکان مشارکت دانش‌آموزان در جریان تدریس فراهم آید.

واژگان کلیدی: خلاقیت، تولید، کارآفرینی، مدارس، معلم

۱- مقدمه

با توجه به تغییرات مداوم در دنیای امروز و عواملی نظیر کوچک‌تر شدن شرکت‌ها و کاهش میزان استخدام در شرکت‌های بزرگ، تغییر دیدگاه‌های کارفرمایان و تمایل ایشان به جذب افرادی با نگرش و رفتارهای کارآفرینانه، توجه و تاکید بر راه‌اندازی کسب و کار و به ویژه کارآفرینی ضروری به نظر می‌رسد (مرتضی نژاد، ۱۳۹۹: ۲۳۰). مفهوم کارآفرینی گسترده‌تر از خوداشتغالی و آشنایی با مشاغل موجود در جامعه است. واژه کارآفرینی از زبان فرانسه گرفته شده و به سایر زبان‌ها راه یافته است. انگلیسی‌ها سه اصطلاح متفاوت را در خصوص کارآفرینی به کار گرفته‌اند: ماجراجو، متعهد و کارفرما (هاشمی، ۱۳۸۰). کارآفرینی فرایندی از ارائه اندیشه‌های نو، بهره‌گیری از امکانات و فرصت‌های موجود با تکیه بر دانش، پیشه و کار مربوط به آن و پذیرش خطر است (نوروزی، ۱۳۸۸). کارآفرینی فرایند خلق چیز جدید و باارزش است که با اختصاص زمان و تلاش لازم و در نظر گرفتن ریسک‌های مالی، روانی و اجتماعی و دستیابی به رضایت فردی و مالی و استقلال به ثمر می‌رسد (توکلی مقدم، آبانی و عموزاده خلیلی، ۱۳۹۲). کارآفرینی فرایندی است که عوامل گوناگون را در کنار یکدیگر قرار می‌دهد تا بهره‌برداری از منابع و فعال شدن آن‌ها در جهت بهره‌وری و تامین منافع مالی میسر گردد و با ایجاد موسسات بهره‌ور و خلاق، رشد و توسعه همه‌جانبه تحقق یابد. این فرایند مستلزم پذیرش ریسک است و منجر به عرضه محصول یا خدمات نو به جامعه می‌شود.

تامل در مفهوم و رسالت‌های آموزش‌های مهارتی فنی و حرفه‌ای در نگاهی ملی و بین‌المللی و تعمق در وضعیت فارغ‌التحصیلان این آموزش‌ها در نظام آموزش متوسطه کشور؛ از تعارض و آسیب‌های جدی حکایت دارد. در نگاهی ملی، تعریف آموزش‌های مهارتی فنی و حرفه‌ای به آموزش‌های مهیاکننده شرایط و موجبات ایجاد مهارت‌های لازم و ارتقا دانش افراد و به فعلیت درآوردن استعدادها نهفته آنان، آماده کردن افراد برای احراز حرفه و کسب و کار و افزایش کارایی و مهارت آنان برای انجام کارها (کلیات نظام جدید آموزش متوسطه، ۱۳۷۳) و ترسیم هدف‌هایی چون اعتلای سطح فرهنگ و دانش عمومی و پرورش ملکات و صفات اخلاقی، بینش سیاسی و اجتماعی، شناخت بهتر استعداد و علایق یادگیرندگان و ایجاد زمینه مناسب برای هدایت آن‌ها به سمت اشتغال مفید و احراز آمادگی نسبی برای ادامه تحصیل در رشته‌های علمی و کاربردی (فناوری) (مرتضی نژاد، ۱۳۹۹: ۲۳۱) و در نگاهی جهانی، ترسیم رسالتی مانند «تحقق هدف‌های فرهنگی صلح، توسعه پایدار مبتنی بر محیط زیست سالم و همبستگی اجتماعی و شهروندی اجتماعی و تربیت نیروی انسانی مورد نیاز بخش‌های مختلف جامعه متناسب با چالش‌های پیش رو مانند انفجار دانش و انقلاب فناوری اطلاعاتی» (مسالویا، ۲۰۱۰) و نقش‌هایی مانند کمک به کاهش فقر، افزایش امنیت غذایی و ارتقاء انسجام اجتماعی و ظرفیت‌های فنی و بین‌فردی افراد، بهبود ارتباط بین آموزش و دنیای کار، کمک به رشد حرفه‌ای برای آینده و کمک به افراد در یافتن شغل، کمک به رقابتی شدن مشاغل و موفقیت جوامع از طریق مهیا کردن آموزش‌های باکیفیت و ایجاد فرصت‌های یادگیری برای نیروی کار (هنری، ۲۰۱۵) و همچنین ارتقاء درآمدهای شرکت‌کنندگان در آموزش‌های فنی و حرفه‌ای (کارمل و مارک، ۲۰۰۹) ایجاد می‌کند که این آموزش‌ها از جایگاه مناسبی در نظام آموزشی کشور برخوردار بوده و بروندهای آن کارایی و اثربخشی بالایی داشته باشند. از این رو توجه به هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای از ضرورت مهمی برخوردار است و در سند تحول بنیادین در فصل دوم «بنیانه ارزش‌ها»، روحیه کارآفرینی، کسب شایستگی‌های عام حرفه‌ای و مهارتی و هنری زمینه‌ساز کار مولد به‌عنوان یکی از ارزش‌های سند تحول بنیادین معرفی شده است. از این رو در پژوهش حاضر در تلاش هستیم تا هدف زیر را مورد بررسی قرار دهیم:

- راهکارهای ترویج و آموزش کارآفرینی در مدارس به چه صورت امکان پذیر می‌باشد؟

پیشینه پژوهش:

عزیزپوریان و همکاران (۱۳۹۸)، در پژوهش با عنوان شناسایی و اولویت بندی مولفه‌های نظام آموزش کارآفرینی در هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای به نتایج زیر دست یافته‌اند: «مولفه‌های نظام آموزش کارآفرینی در هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای (آموزش کارآفرینی، ویژگی‌های روانشناختی هنرجویان، مشاوره تحصیلی و شغلی، سبک رهبری، مدیریت و سازماندهی هنرستان‌ها، ارتباط با صنعت و مهارت‌های تجاری و مدیریتی، محتوی، توسعه مهارت‌های کارآفرینی در فراگیران، فضا و تجهیزات آموزشی و شیوه آموزش) شناسایی گردید که رابطه‌ی همه مولفه‌ها با نظام آموزش کارآفرینی در هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای معنادار بود. همه مولفه‌های شناسایی شده در یک نظام آموزشی نقش اساسی دارند. برای داشتن محصول و خروجی مناسب در یک سیستم آموزشی که بتواند پیامد مثبت اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و ... داشته باشد، ورودی و فرایند مناسب لازم است که در این پژوهش به ویژگی‌های هنرجویان، مربیان توانمند در زمینه کارآفرینی و فضا و تجهیزات آموزشی به‌عنوان ورودی سیستم آموزشی و به شیوه آموزش، محتوا، فعالیت‌ها، مدیریت، مشاوره و ارتباطات به‌عنوان فرایندهای اصلی سیستم آموزشی اشاره شده است. بررسی نظام‌های آموزشی و برنامه‌ریزی درسی آنان نیز نشان می‌دهد که این مولفه‌ها در عناصر برنامه درسی آموزش و پرورش مورد توجه قرار گرفته‌اند.»

حاجی آقایی و خلخالی (۱۳۹۹)، در پژوهشی با عنوان «تبیین پدیده مدرسه به عنوان شتاب‌دهنده»، چنین نتیجه‌گیری کرده‌اند: «ساخت دهی مدرسه با ماهیت شتاب‌دهنده، خلق سازوکاری منسجم برای حمایت و توسعه معلمان و دانش‌آموزانی با صلاحیت‌های ذهنی و رفتاری نو ارزش‌آفرینانه است. در واقع ایجاد فضای کاری اشتراکی است که در آن نقش‌ها و ساختارها بازتعریف شده‌اند. مدیر هنرستان به رهبری کارآفرین تبدیل می‌شود که ریسک را می‌شناسد و با مدیریت مالی عجین است. معلم دیگر آموزش دهنده‌ای ساده نیست، بلکه به یک مربی (کوچ و منتور) برای رشد و توسعه تبدیل می‌شود. او رابطی است که هنرآموز را به ماورای توانایی‌های فعلی‌اش هدایت می‌کند. در عین حال مشاوره‌ی همراه است تا با هم فکر کنند و با هم یاد بگیرند. برنامه‌دهنده‌ای است که با توجه به ایده هر دانش‌آموز، برنامه‌ی درسی فردی او را تدوین می‌کند. در این شتاب‌دهنده مدرسه‌ای، شبکه‌ای از مدیران کارآفرین، مربی‌ها، سرمایه‌گذاران شکارچی ایده و کارآفرینانی در دسترس است که شکست یا موفقیت را تجربه کرده‌اند. آن‌ها به طور مداوم در مدرسه حضور دارند و این طور به نظر می‌رسد که خود عضوی از این مدرسه‌اند و بالاخره دانش‌آموزان ایده‌پردازانی هستند که حول پروژه‌های فردی، مدیریت توسعه فردی خود را بر عهده دارند. بدین ترتیب، این شتاب‌دهنده در جهت هدایت ایده‌های دانش‌آموزان تا سطح مقیاس‌پذیری و تجاری‌سازی پیش می‌رود.»

مرتضی نژاد (۱۳۹۹)، در پژوهشی با عنوان «ارتقای عملکرد هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای استان آذربایجان غربی به مثابه سازمان‌های کارآفرین مبتنی بر مدل پارادایمی نظریه برخاسته از داده‌ها» چنین نتیجه‌گیری کرده‌اند: «کارآفرینی و کارآفرینی آموزشی از وجوه مختلف در برنامه درسی هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای مورد تایید و تاکید است. بر اساس اصل ارتباط چند وجهی و یادگیری ییمپارچه (رویکرد تلفیقی)، انتخاب و سازمان‌دهی محتوا باید به گونه‌ای باشد که هنرجویان را در اشکال مختلف تفکر و تعقل، علم، کار و عمل، تلاش و اخلاق به طور یکپارچه رشد دهد. با توجه به آن‌چه درباره ماهیت کارآفرینی و شایستگی‌های کارآفرینانه گفته شد و نیز با مراجعه به اسناد و مطالعه مولفه‌های فرعی هر یک از این هدف‌های کلی، همانند تفکر انتقادی، حل مسئله، قدرت تصمیم‌گیری، خودارزشیابی، خودآگاهی، قدرت اراده، یادگیری مستمر، اعتماد به نفس، مسئولیت‌پذیری، انعطاف، اخلاق حرفه‌ای و نظایر آن می‌توان نتیجه گرفت که آموزش کارآفرینی از اولویت‌های مهم و اصلی در برنامه درسی کشور است و می‌بایست بیش از گذشته مورد توجه قرار گیرد.»

۲- روش پژوهش

روش پژوهش حاضر از نوع کیفی بوده و شیوه گردآوری داده‌ها مبتنی بر شیوه کتابخانه‌ای و اسنادی می‌باشد. بدین صورت که اسناد مرتبط با موضوع پژوهش گردآوری شده است و با رویکرد توصیفی و تحلیلی داده‌های مرتبط با پژوهش مورد بررسی قرار گرفته است.

۳- یافته‌های پژوهش

چگونگی آموزش کارآفرینی در مدارس

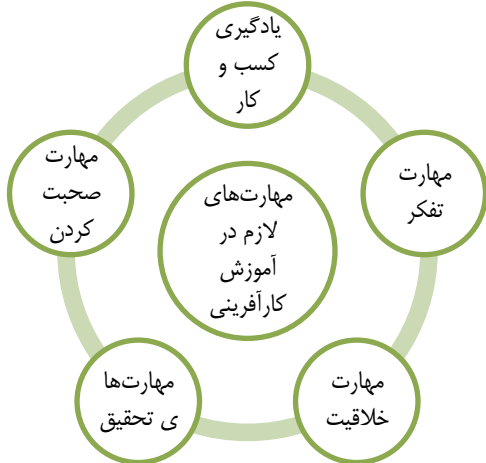
بر اساس هدف‌های کلان سند تحول بنیادین، تربیت انسانی خلاق و کارآفرین، مقتصد و ماهر، سالم و بانشاط، قانون‌مدار و نظم‌پذیر و آماده ورود به زندگی شایسته فردی، خانوادگی و اجتماعی از جمله اهداف سند ذکر شده است. بر اساس راهکار ۵-۶- سند تحول بنیادین «تنظیم و اجرای برنامه جامع کارآفرینی و مهارت آموزی برای تمام دوره‌های تحصیلی به ویژه دانش‌آموزان دوره متوسطه تا پایان برنامه پنجم توسعه در برنامه درسی و آموزشی» آمده است از این رو مسئله آموزش کارآفرینی در سند تحول بنیادین حائز اهمیت است.

آموزش کارآفرینی می‌تواند یکی از اثرگذارترین شیوه‌ها برای انتقال آسان جمعیت دانش‌آموختگان به بازار کار باشد. شواهد نشان می‌دهد که افزایش آموزش‌های درست می‌تواند بیکاری را کاهش دهد (اجاقی، ۱۳۹۵: ۴). آموزش کارآفرینی یکی از زمینه‌های فنی ارتقاء اشتغال جوانان است که سازمان بین‌المللی کار بر عهده گرفته است (شکاری، ۱۳۹۵: ۳۴). مدارس با ایجاد جو انعطاف‌پذیر، خلاق و نوآور می‌توانند دانش‌آموزان را به صورتی کارآفرین تربیت نمایند و آنان را نسبت به تغییر و تحولات انعطاف‌پذیر بار بیاورند. در سند تحول بنیادین نیز بر تنظیم و اجرای برنامه جامع کارآفرینی و مهارت آموزی برای تمام دوره‌های تحصیلی به ویژه دانش‌آموزان دوره متوسطه در برنامه‌های درسی و آموزشی پیشنهاد شده است. مطابق سند چشم‌انداز مدرسه در افق ۱۴۰۴، مدرسه کانون عرضه خدمات و فرصت‌های تعلیم و تربیتی برای دانش‌آموزان به ویژه در بعد کارآفرینی است.

عوامل متعددی بر آموزش کارآفرینی موثرند از جمله:

۱. برنامه درسی مدارس برای تقویت کارآفرین باید شامل کلیه تجارب و فرصت‌های یادگیری باشد که به صورت رسمی و غیررسمی تحت نظارت و مسئولیت نظام آموزشی به منظور ایجاد تغییر مطلوب در دانش‌ها، مهارت‌ها و نگرش‌های دانش‌آموزان بررسی و اجرا شود و عملکرد و بازده آن مورد ارزیابی قرار گیرد (امین‌زاده، ۱۳۹۴: ۱۴۵).
۲. محتوای درسی
۳. مهارت مدرسان کارآفرینی
۴. برنامه‌ها و سیاست‌ها چرا امروزه دیگر مدرسه‌ها مکانی برای یادگیری یک سری آموزه‌های صرف نیست. کلارک معتقد است که در قرن بیست و یکم مدارس پویا هستند که کارآفرین بوده و بتوانند ارزش‌های تخصصی خود و مدیریتی را تلفیق نمایند (اجاقی و همکاران، ۱۳۹۵)
۵. ابزارهای عملی، امروزه برای آموزش کارآفرینی علاوه بر روش‌های آموزشی متنوع، باید از ابزارهای آموزشی مختلفی نیز استفاده شود.
۶. توانمندسازی روان‌شناختی که فرایند افزایش احساس شایستگی در کارکنان از طریق شناسایی و حذف شرایطی است که موجب ناتوانی آنان شده است. توانمندسازی روان‌شناختی عبارت است از فرایند افزایش انگیزش درونی نسبت به انجام وظایف محوله در چهاربعد شناختی موثر بودن، شایستگی، معنی‌دار بودن و داشتن حق انتخاب.

بر این اساس می‌توان گفت که در آموزش کارآفرینی در مدارس توجه به ۵ عامل می‌تواند موثر باشد از این رو ضمن بیان آن‌ها به توضیح و ارائه روش‌هایی برای اجرای آموزش کارآفرینی در مدارس خواهیم پرداخت:



شکل ۱- مهارت‌های لازم در آموزش کارآفرینی در مدارس

یادگیری کسب و کار

دانش‌آموزان می‌توانند نوشتن را تمرین کنند، سوالات مصاحبه تهیه کنند و با کارآفرینان مصاحبه کنند. سپس می‌توانند اطلاعات را در فهرستی از انواع کالاها و خدمات، مکان‌ها و ساعات کار کسب و کار جمع‌آوری کنند و در آخر در مورد مکان، تبلیغات و محصولات با یکدیگر بحث کنند.

مهارت صحبت کردن

دانش‌آموزان را می‌توان برای ارائه ایده‌ها یا محصولات تجاری که فکر می‌کنند دیگران علاقه‌مند به خرید آن‌ها هستند، به چالش کشید. سپس آنها درباره مخاطبان بالقوه محصول و اینکه چگونه می‌توانند تغییراتی در آن ایجاد کنند که برای مخاطبانشان جذاب‌تر خواهد بود، بحث می‌کنند. دانش‌آموزان همچنین می‌توانند در مورد اینکه این محصول با چه چیزی و با چه کسی رقابت خواهد کرد، مشورت کنند.

مهارت‌های تفکر

به دانش آموزان ابتدا بیاموزید که به کارهای مثبت و قوی فکر کنند و سپس نقاط ضعف خود را پیدا کنند تا بتوانند تغییرات مورد نیاز را برای جذابتر کردن محصولشان را بیابند، همچنین به دانش آموزان اجازه دهید درک کنند، اشتیاق و رضایت داشته باشند تا ایده های اصلی خود را ارائه دهند تا با منابع محدودی که دارند را گسترش بدهند.

مهارت خلاقیت

به دانش آموزان ابتدا تخیل را یاد بدهید، به این شکل که یک شی مشترک را به همه دانش آموزان بدهید و از آنها بخواهید تا آن شی را با دید متفاوتی تصور کنند، این کار باعث می شود که دانش آموزان همان شی را از منظری متفاوت ببینند، بنابراین دانش آموزان وادار می شوند تا احتمالات را در یک شیء مشترک به روشی جدیدی ببینند.

مهارت های تحقیق

از دانش آموزان بخواهید تا صفحات مختلف را بررسی کنند تا کسب و کارها، نامها، مکان های جغرافیایی و عملکرد آنها را پیدا کرده و دسته بندی کنند. در نهایت نتایج را با نام های متفاوتی در همان کسب و کار تولید کنند یا بفروشند.

۴- نتیجه گیری

استفاده از رویکردهای کارآفرینی و آموزش کارآفرینی در مدارس می تواند نقش موثری در ترویج روحیه کارآفرینی در میان دانش آموزان ایفا نماید. سیاست های کلی نظام آموزش و پرورش در ایران مطابق اسناد بالادستی نظیر سند تحول بنیادین در تلاش است تا با تغییر شیوه های سنتی آموزش، دانش آموزان را به سوی شیوه های نوین آموزش، نظیر آموزش کارآفرینی سوق دهند. بر این اساس لازم است برنامه های درسی و محتوای کتب درسی و همچنین معلمان و مولفان با شیوه های مدرن و نوین آشنایی داشته باشند تا بتوانند آن آموزش را در کلاس ارائه دهند. در آموزش کارآفرینی همچنین باید به یادگیری کسب و کار، مهارت صحبت کردن، مهارت های تفکر، مهارت خلاقیت و مهارت تحقق توجه داشت تا دانش آموزان بتوانند به صورت فعالانه در روند یادگیری مشارکت نمایند.

منابع:

- اجاق، ص؛ رضایی، ب؛ نادری، ن؛ جعفری، ه (۱۳۹۵)، ارائه الگوی مفهومی مولفه‌های خرد و کلان نظام آموزش کارآفرینی، نشریه کارآفرینی در کشاورزی، جلد سوم، شماره ۴، زمستان، صص ۵۴ - ۳۹.
- امین زاده، ل (۱۳۹۴)، ارزیابی برنامه درسی دوره متوسطه (کار و دانش) با نظر به موضوع کارآفرینی از دیدگاه متخصصان، دو فصلنامه نظریه و عمل در برنامه درسی، سال سوم، شماره ۶، پاییز و زمستان ۱۳۹۴، صص ۱۶۴ - ۱۴۳.
- توکلی مقدم، رضا؛ آبانی، سپیده و عموزاده خلیلی، حسین (۱۳۹۲)، بررسی عوامل اثربخشی در آموزش کارآفرینی و راهکار گذر از موانع، کار و جامعه، شماره ۱۰۲، صص ۲۷ - ۲۰.
- حاجی آقایی، حنیف؛ خلخالی، علی (۱۳۹۹)، تبیین پدیده مدرسه به‌عنوان شتاب‌دهنده، نشریه نوآوری‌های آموزشی، بهار ۱۳۹۹، شماره ۷۳، صص ۱۲۶ - ۱۱۱.
- شکاری، ع؛ زارعی سهپتی، ا؛ یزدخواستی، ع (۱۳۹۵)، نقش الگوی آموزش‌های کارآفرینی کسبو کار بر مهارت‌های کارآفرینی کارآموزان مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای (مطالعه موردی: استان اصفهان)، دو فصلنامه نظریه و عمل در برنامه درسی، دوره ۴، شماره ۷، صص ۵۴ - ۳۱.
- عزیزپوریان، علی حسن؛ اسلام پناه، مریم؛ کرم افروز، محمدجواد؛ ملکیان، فرامرز؛ کاویانی، الهام (۱۳۹۸)، شناسایی و اولویت‌بندی مولفه‌های نظام آموزش کارآفرینی در هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای، نشریه تحقیقات مدیریت آموزشی، تابستان ۱۳۹۸، شماره ۴۰، صص ۱۴۴ - ۱۲۳.
- مرتضی نژاد، نیلوفر (۱۳۹۹)، ارتقای عملکرد هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای استان آذربایجان غربی به مثابه سازمان‌های کارآفرین مبتنی بر مدل پارادایمی نظریه برخاسته از داده‌ها، نشریه نظریه و عمل در برنامه درسی، بهار و تابستان ۱۳۹۹، سال هشتم، شماره ۱۵، صص ۲۷۶ - ۲۲۹.
- نوروزی، محمدرضا (۱۳۸۸)، موانع کارآفرینی دانشگاه و اقدامات راهبردی برای تقویت کارآفرینی دانشجویان، کار و جامعه، شماره ۱۱۱، صص ۱۷ - ۱۰.
- هاشمی، حمید (۱۳۸۰)، سرمایه‌های جاودان، ویژه نامه همایش کارآفرینی و فناوری‌های پیشرفته، موسسه توسعه دانش و پژوهش، صص ۱۴۲ - ۱۳۶.
- Henry, C. (2015). "Entrepreneurship education and training: can entrepreneurship be taught? Part I" Education & Training Vol. 47 No. 2, pp. 98-111.
- Mwasalwiba, E.S. (2010). Entrepreneurship education: A review of its objectives, teaching methods, and impact indicators. *Education and Training*, 52, 20-47.
<http://dx.doi.org/10.1108/00400911011017663>